

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره نود و دوم

زمستان ۱۴۰۱

نقد دیدگاه مارتین لینگز درباره نقش امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در مهم ترین جنگ های عصر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۷

حسین عبدالمحمدی^۱

مارتین لینگز از معدود خاورپژوهانی است که از مسیحیت به اسلام گرویده است. یکی از مهم ترین آثار وی، کتابی است با عنوان محمد صلی الله علیه و آله بر پایه کهن ترین منابع. وی در این کتاب به بررسی زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پرداخته و گزارش نسبتاً جامعی در این زمینه ارائه داده است. این کتاب، شرح حال برخی صحابه مشهور و نقش و جایگاه آنان را نیز به تفصیل بیان کرده است. تأملات روش شناسختی و محتوایی زیادی درباره کتاب مطرح است که یکی از آنها، «نقش علی علیه السلام در مهم ترین جنگ های عصر نبوی» است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل تاریخی و بر اساس سنجش های روش تاریخی، به نقد و بررسی این بخش از کتاب پرداخته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که مارتین لینگز با گزینش بدون منطق برخی گزارش ها، عدم توجه به همه شواهد و منابع موجود، نادیده گرفتن برخی گزارش ها و بزرگ نمایی گزارش های دیگر و سرانجام تحمیل

۱. دانشیار جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، گروه تاریخ اهل بیت علیهم السلام (Hoseinmohammadi31@yahoo.com).

پیش فرض‌های خود بر تاریخ، عملاً از اصول و معیارهای پژوهش تاریخی فاصله گرفته و تقریری ناقص از نقش علی علیه السلام در این جنگ‌ها ارائه کرده است.

کلیدواژگان: علی علیه السلام، مارتین لینگز، غزوات پیامبر، شرق‌شناسی، نقد تاریخی.

مقدمه

از میان شرق‌شناسان در حوزه مطالعات تاریخی جهان اسلام، برخی تغییر آیین داده و دین اسلام را به عنوان دین جدید خود برگزیده‌اند که یکی از آنان، مارتین لینگز^۱ (۱۹۰۹-۲۰۰۵م) اندیشمند انگلیسی است که آثار متعددی در زمینه تاریخ اسلام و معارف اسلامی پدید آورده است.^۲ یکی از آثار ایشان کتابی است با عنوان محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر پایه کهن‌ترین منابع که سعید تهرانی‌نسب آن را به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب - که بر پایه منابع تاریخی و حدیثی عمدتاً کهن همانند الطبقات، المغازی، السیرة النبویة، تاریخ الامم و الملوک، صحاح و مسانید و نیز برخی منابع متأخر نگارش یافته است - شرح حالی رمان‌گونه از زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حوادث صدر اسلام تا زمان رحلت آن حضرت را در بر دارد. نویسنده از لحاظ تبارشناسی در سِلک مستشرقان قرار دارد اما در نگارش این کتاب بیشتر به روش سنتی تاریخ‌نگاری اسلامی پای‌بند بوده است تا روش نوین تاریخی. به همین دلیل کتاب وی عمدتاً بازگوکننده چند منبع تاریخی پیشین (مغازی واقدی، سیره ابن هشام و طبقات

1. Martin Lings.

۲. نک: مارتین لینگز، محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر پایه کهن‌ترین منابع، مقدمه مترجم.

ابن سعد) به زبانی رمان گونه است و بیشتر به منظور جذب مخاطب و در قالب ادبیاتی جذاب نگارش یافته است. نویسنده کوشیده است تا تصویر جامعی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حوادث صدر اسلام بر اساس منابع پیش گفته ارائه کند و همه حوادث دوران آن حضرت را به طور اختصار بازگو نماید.

موضوع کتاب شرح حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است اما در ضمن آن، شرح حال و عملکرد صحابیان مشهور نیز به تفصیل بیان شده است. از همین رو، داوری‌های بسیاری در خصوص عملکرد صحابه و جایگاه آنان در خدمت به اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داده است.^۱

این اثر با همه نقاط قوت و مثبت و ادبیات جذاب و اثرگذار، در موارد بسیاری جای تأمل دارد و بر اساس همان منابع مورد استناد، خلأهای پُرشماری در آن به چشم می‌خورد که بایسته است در چند محور اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این مقاله از آن جهت به بررسی این کتاب اهتمام ورزیده که از یک سو، ترجمه آن در میان فارسی‌زبانان، طرفداران بسیاری یافته و از سوی دیگر، هیچ نقد و بررسی از سوی پژوهشگران درباره این کتاب صورت نگرفته است و از سوی سوم، بررسی این اثر به منظور جبران خلأهای آن و ارائه تصویری درست از حوادث صدر اسلام به مخاطبان آن، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۱. شرح حال و اوصافی که نویسنده در این کتاب برای برخی صحابه ارائه کرده است، در برخی موارد از شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشی می‌گیرد. گاهی از یک مسأله کوچک و جزئی ابوابی را می‌گشاید و آن را چنان بسط می‌دهد که گویا جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و آن صحابی خاص تغییر کرده است و خواننده تصور می‌کند که نقش اصلی در تحکیم پایه‌های اسلام و موفقیت پیامبر صلی الله علیه و آله بر عهده آن فرد بوده است. این موضوع در سرتاسر کتاب به خوبی مشهود است. بنابراین، بررسی نقش اصحاب از منظر این کتاب، یک مسأله حاشیه‌ای به شمار نمی‌آید؛ بلکه خود بخشی از مسائل اساسی کتاب است.

در این مقاله دیدگاه مارتین لینگز درباره نقش علی علیه السلام در مهم‌ترین جنگ‌های دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقد و بررسی می‌گردد. ضرورت بررسی این مسأله از آن روست که از یک سو، بررسی نقش اصحاب در حوادث دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد اهتمام جدی مؤلف بوده است و از سوی دیگر، علی بن ابی طالب علیه السلام (۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق) به عنوان نزدیک‌ترین صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهم‌ترین نقش را در گسترش اسلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ایفا کرده است و از سوی سوم، برخی عوامل - که بیان خواهد شد - موجب شده است نویسنده کتاب، آگاهانه نقش آن حضرت را کم‌رنگ نشان دهد و حقایق تاریخی را برای مخاطب ناآگاه، مقلوب جلوه دهد.

برای ارزیابی دیدگاه مارتین لینگز و کشف خطاها و کاستی‌های ایشان و نیز برای ارائه تصویر و تبیین درست از نقش علی علیه السلام، نیاز به معیارهایی داریم که هر پژوهش تاریخی بر اساس آن‌ها ارزشگذاری می‌گردد. کاربست این سنجه‌ها که اصطلاحاً به آن‌ها «معیارهای روش تاریخی»^۱ گفته می‌شود، میزان ارزش علمی هر گونه پژوهش در حوزه تاریخ را مشخص می‌کند. از آن جا که کتاب یادشده در حوزه تاریخ نگارش یافته است، به ناچار از این معیارها تبعیت خواهد کرد و بر اساس همین سنجه‌ها، ارزشگذاری خواهد شد. از نظر پیشینه، برخی مقالات در خصوص نقش علی علیه السلام در جنگ‌ها نگارش یافته است؛ مانند: مقاله «نقش علی علیه السلام در جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان» نوشته سید قاسم موسوی و مقاله «نقش علی بن ابی طالب علیه السلام در غزوه‌ها و سریه‌ها» نوشته عبدالعزیز سلیمان السلوسی و ترجمه رقیه رستم‌پورملکی. محتوای این مقالات، توصیف و نقل برخی گزارش‌های تاریخی درباره نقش علی علیه السلام در جنگ‌ها و سریه‌هاست و هدف نویسندگان، دادن آگاهی اجمالی به مخاطبان در این مسأله بوده است در حالی که مقاله

۱. نک: رحیمی، بررسی و نقد علم غیب امامان: در کتاب مکتب در فرایند تکامل (مبانی، روش و محتوا)،

حاضر با هدف نقد روشی و محتوایی گزارش‌های لینگز از نقش امام علی در جنگ‌های صدر اسلام می‌باشد.

۲- آشنایی با مارتین لینگز و کتاب او

مارتین لینگز، نویسنده، پژوهشگر و فیلسوف انگلیسی است. پس از گروه وی به اسلام، او را با نام ابوبکر سراج‌الدین هم می‌شناسند. لینگز در شهر لنکشایر^۱ انگلستان در خانواده‌ای پروتستان به دنیا آمد. او به واسطه شغل پدر، بخش عمده‌ای از سال‌های کودکی و نوجوانی‌اش را در سفر و در آمریکا سپری نمود.^۲

لینگز پس از بازگشت به انگلستان، در کالج کلیفتون^۳ در شهر بریستول^۴ مشغول به تحصیل شد و مدرک کارشناسی خود را در رشته ادبیات زبان انگلیسی از این دانشگاه دریافت کرد. او در این دوران از دوستان نزدیک و شاگرد نویسنده مشهور انگلیسی سی اس لوئیس^۵ شد. پس از آن، لینگز برای یادگیری انگلیسی دوران میانه و آنگلوساکسون به دانشگاه ویتاوتاس مگنوس^۶ در لیتوانی رفت و تحصیلات خود را در این زمینه کامل کرد.^۷ در سال ۱۹۴۰ لینگز برای دیدار با یکی از دوستانش که در دانشگاه قاهره مشغول به تدریس ادبیات انگلیسی بود، به مصر سفر کرد. در خلال این دیدار، دوست لینگز طی

1. Lancashire.

۲. گای ایتون (۲۰۰۵)، روزنامه گاردین:

<https://www.theguardian.com/news/2005/may/27/guardianobituarie.obituaries>

3. Clifton.

4. Bristol.

5. C. S. Lewis.

6. Vytautas Magnus.

۷. داگلاس مارتین (۲۰۰۵)، نیویورک تایمز:

<https://www.nytimes.com/2005/05/29/obituaries/martin-lings-a-sufi-writer-on-islamic-ideas-dies-at-96.html>

سانحه تصادفی از دنیا رفت. در فقدان او به لینگز پیشنهاد دادند تا جایگاه تدریس او را بپذیرد. لینگز این پیشنهاد را قبول کرد و در دانشگاه قاهره مشغول به تدریس ادبیات انگلیسی و آثار شکسپیر شد. در همین دوران بود که او به اسلام گروید و مذهب تصوف در اسلام را جذاب یافت.^۱

او در سال ۱۹۳۵ به نوشته‌های رنه گنون^۲ برخورد و در این باره چنین گفت: «کشف گنون مثل برق مرا گرفت؛ می‌دانستم که رو در روی حقیقت نشسته‌ام... و اینکه باید کاری انجام می‌دادم».^۳

در مصر همزمان با تدریس در دانشگاه قاهره برای کامل کردن زبان عربی خود می‌کوشید و در عین حال به عنوان دستیار شیخ «عبدالواحد یحیی»^۴ انجام وظیفه می‌کرد. پس از درگذشت گنون در سال ۱۹۵۱ و نیز اغتشاشاتی که به انقلاب مصر منجر شد، لینگز از قاهره به لندن بازگشت. در آنجا او دوباره به تحصیل پرداخت و تز دکترایش را درباره شیخ احمد علوی، عارف الجزایری، نوشت.^۵ شاهکار آثار متعدد لینگز، کتاب محمد صلی الله علیه و آله بر پایه کهن‌ترین منابع است که نخستین بار در سال ۱۹۸۳ منتشر شد و تا کنون چندین بار تجدید چاپ و به زبان‌های فارسی، فرانسه، ایتالیایی، اسپانیایی، ترکی، آلمانی، مالی، عربی، اردو، سوئدی و چند زبان دیگر ترجمه شده و در سال‌های ۱۹۸۳ و

۱. ویکی‌پدیا:

https://en.wikipedia.org/wiki/Martin_Lings#cite_note--:0-2

2. Rene Guenon.

۳. رک: مارتین لینگز، پیشین، مقدمه مترجم، ص ۱۵.

۴. نام اسلامی رنه گنون.

۵. همان.

۱۹۹۰ در پاکستان و مصر برنده ارزنده‌ترین جوایز شده است.^۱ حوادث مطرح شده به صورت داستان‌هایی در قالب ۸۵ عنوان مستقل نگارش یافته است.

۳- ارزیابی گزارش‌های مارتین لینگز درباره نقش علی علیه السلام در جنگ‌های عصر نبوی صلی الله علیه و آله

در این بخش ابتدا گزارش‌های مارتین لینگز درباره «نقش علی علیه السلام در جنگ‌های دوران پیامبر صلی الله علیه و آله» بیان شده، سپس دیدگاه وی بررسی می‌شود.

۳-۱- جنگ بدر

مطالبی که مارتین لینگز درباره نقش و جایگاه علی علیه السلام در جنگ بدر مطرح کرده، با اندکی تلخیص عبارتند از:

در اولین غزوه پیامبر صلی الله علیه و آله که نبرد بدر نامیده می‌شود، علی علیه السلام پرچم‌دار مهاجرین بود و پیشاپیش پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت می‌کرد.^۲

امام علی علیه السلام یکی از افراد شناسایی بود که اخبار مشرکان را می‌بایست بیاورند.^۳

امام علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از اولین مجاهدانی بود که در جنگ تن به تن با مشرکان قرار گرفت و بی‌درنگ ولید پسر عتبّه را به قتل رساند.^۴

۱. رک: همان، ص ۱۶-۱۷.

۲. مارتین لینگز، پیشین، ص ۲۵۸.

۳. همان، ص ۲۶۳.

۴. همان، ص ۲۷۱.

امام علی ع به دستور پیامبر ص پس از پایان جنگ، یکی از اسیران به نام نضر عبدالداری را گردن زد.^۱

نقد و بررسی

گزارش مارتین لینگز از نقش علی ع در جنگ بدر با چند اشکال اساسی مواجه است:

۱. **گزینش بدون ارائه منطق روشن.** یکی از معیارهای روش تاریخی، تعیین منطق گزینش است. یعنی هر پژوهشگری ناگزیر است از میان انبوه گزارش‌های تاریخی که گاه با یک‌دیگر در تعارضند، برخی را گزارش کند اما باید منطق گزینش خود را مشخص کند که بر چه اساسی دست به گزینش زده و چرا گزارش‌های دیگر را نادیده گرفته است؟ مشخص نکردن معیار گزینش، از نظر خواننده آگاه قابل پذیرش نیست.^۲ با وجود این، مؤلف تلاش کرده است در هنگام نقل این واقعه، بدون ارائه هیچ منطقی گزارش‌هایی را گزینش کند که از یک سو نقاط ضعف برخی اصحاب آشکار نگردد و از سوی دیگر، نقش علی ع برجسته نگردد در حالی که بررسی مجموعه گزارش‌ها، خلاف آن را ثابت می‌کند. بر اساس همان منابع مورد استناد لینگز، پیامبر ص در آستانه نبرد، درباره جنگ با اصحاب خود مشورت کرد. افراد سست‌ایمانی که از هیمنه قریش به شدت واهمه داشتند، از شکست‌ناپذیری و ذلت‌ناپذیری قریش سخن گفتند^۳ و پیشنهاد ترک مخاصمه دادند.^۴ پیامبر ص از سخن اینان روی گرداند. اما در مقابل، برخی دیگر از صحابه اعلام وفاداری

۱. همان، ص ۲۷۹.

۲. نک: رحیمی، پیشین. معیارهایی که در این جا تبیین و به کار گرفته شده‌اند، بدون نیاز به توضیح مجدد، در مباحث بعدی اعمال خواهند شد.

۳. نک: بیهقی، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، ج ۳، ص ۱۰۷؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. نک: همان؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۰۷.

تا پای جان کردند.^۱ در چنین شرایطی است که اهمیت فداکاری علی علیه السلام و برخی از صحابه، دوچندان می‌شود. اما مارتین لینگز - بر خلاف مبنای خود وی که بیان تفصیلی شرح حال و نقش صحابیان مشهور است - به گزینش برخی گزارش‌ها اکتفا کرده است.

۲. **عدم نقل و بررسی تمامی گزاره‌ها و شواهد.** از دیگر الزامات روش تاریخی، توجه و التفات به مجموع گزارش‌ها و تمامی اجزای یک متن و سند تاریخی است به گونه‌ای که تمامی صدر و ذیل مرتبط با یک متن بررسی و تحلیل گردد تا فهم و برداشت ناقصی از آن متن صورت نپذیرد. اگر پژوهشگر آگاهانه تصرفاتی را در متن و سند انجام دهد که بخشی از واقعیت را پنهان نماید و یا واقعیتی نهفته در آن متن را وارونه نشان دهد، فهم ناقص و یا وارونه را به مخاطبان منتقل خواهد نمود.^۲

گزارش مؤلف از نقش علی علیه السلام در جنگ بدر با معیار فوق نیز ناسازگار است زیرا وی با نادیده‌انگاری برخی نقل‌ها و شواهد، نقش کم‌رنگی از مبارزه علی علیه السلام ارائه کرده است. طبق منابع کهن، علی علیه السلام به همراه عموی بزرگوارش حمزه علیه السلام (شهید ۳ق) در آغاز جنگ سه تن از قهرمانان قریش را به خاک افکند^۳ و همین واقعه سبب نزول آیه شریفه «هَذَا نِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَيْبِهِمْ»^۴ گردید^۵ که مارتین لینگز از بیان این مطلب خودداری کرده است. نکته دیگری که نویسنده با خودداری از ذکر نام علی علیه السلام به آن

۱. نک: مسلم، همان؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۱۵.

۲. نک: رحیمی، پیشین، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳. رک: واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۶۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۲.

۴. حج/۱۹.

۵. واقدی، پیشین، ص ۷۰؛ ابن سعد، همان.

اشاره کرده،^۱ رؤیت مستقیم فرشتگان توسط علی علیه السلام است که برای امداد پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان در جنگ مشارکت داشتند.^۲

۳. عدم نگرش جامع به منابع. بررسی همه منابع مربوط به یک حادثه، یکی دیگر از اصول تاریخ‌نگاری است. بدون تردید، تمایل به دسته‌ای از دیدگاه‌ها و منابع تاریخی و منحصر کردن فضای ذهن به پاره‌ای از منقولات، زمینه‌های یک ارزیابی جامع و همه‌سویگر را از محقق سلب می‌کند.^۳

این اصل نیز در نگرش نویسنده به جنگ بدر رعایت نشده است؛ زیرا هم در منابع مورد استناد نویسنده و هم در دیگر منابع، به تعداد کشتگان بدر به دست علی علیه السلام اشاره شده اما نویسنده از ذکر آن‌ها چشم پوشیده است. در این منابع، تعداد کشتگان مشرکان از ۴۹ نفر^۴ تا ۷۰ نفر گزارش شده است. از این میان ۲۲ نفر با ضرب شمشیر علی علیه السلام به قتل رسیدند که در بین آن‌ها برخی افراد نامی و جنگجو نیز به چشم می‌خورد^۵ و بنا بر نقل شیخ مفید (۴۱۳ق) تعداد کشتگان دشمن به دست خود علی علیه السلام به ۳۵ نفر می‌رسید؛ جدا از افرادی که علی علیه السلام در کشتن آنان با دیگر مسلمانان شرکت داشت.^۶

۱. نک: مارتین لینگز، پیشین، ص ۳۷۳. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. رک: واقدی، پیشین، ص ۵۷؛ ابن هشام، پیشین، ص ۴۳۳.
۳. عبدالمحمدی، «بررسی انتقادی روش تاریخ‌نگاری مقاله محمد؛ پیامبر اسلام؛ در دایرة المعارف اسلام»، تاریخ اسلام، شماره سوم، ص ۱۲۴.
۴. نک: واقدی، پیشین، ص ۱۵۲؛ ابن هشام، پیشین، ص ۷۱۴؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹-۵۰.
۵. نک: واقدی، پیشین، ص ۱۴۷-۱۵۲؛ ابن هشام، پیشین، ص ۷۰۸-۷۱۴.
۶. مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۷۲.

۳-۲- جنگ احد

آن چه در کتاب محمد ﷺ بر پایه کهن‌ترین منابع، از نقش علی رضی الله عنه در جنگ احد آمده است، عبارت است از:

طلحه از قلب سپاه مکیان جلو آمد و با صدای بلند برای مبارزه تن به تن حریف طلبید. علی رضی الله عنه جلو رفت و پس از مدتی چنان ضربتی بر او فرود آورد که کلاه خود طلحه را برید و جمجمه‌اش را شکافت و او را به خاک افکند.^۱

اکنون برادر طلحه علم را برداشت، این بار حمزه او را بر خاک افکند. سپس سعد زهره‌ای نیز نیزه در گردن برادر دیگر طلحه فرو برد و چهار پسر طلحه یکی پس از دیگری به دست علی و زبیر و عاصم بن ثابت اوسی کشته شدند.^۲

سواره‌نظام‌های مکیان در بین صفوف بدون محافظ مانده مسلمانان، قتل عام به راه انداختند. علی و هم‌زمانش برگشتند تا با این خطر جدید مقابله کنند...^۳

پنج نفر از انصار شمشیر کشیدند و خود را سوی دشمن پرتاب کردند و آن قدر جنگیدند که همه کشته شدند... با این حال نیروی کمکی برای پر کردن جای این پنج نفر فراهم بود زیرا علی، زبیر، طلحه و ابودجانه و چند تن دیگر در نوک خط حمله قرار داشتند.^۴

وقتی پیامبر و اصحابش به بالای تنگه رسیدند، علی سپرش را از آبی که در

۱. مارتین لینگز، پیشین، ص ۳۲۸-۳۲۹.

۲. همان، ص ۳۲۹.

۳. همان، ص ۳۳۳.

۴. همان، ص ۳۳۵.

حفره صخره‌ها جمع شده بود پر کرد، سیر را برای پیامبر نگه داشت، اما به رغم تشنگی، بوی ماندگی آب، پیامبر را از نوشیدن بازداشت.^۱

نقد و بررسی

تصویری که نویسنده از نقش علی علیه السلام در جنگ احد ارائه کرده است با اشکالات روشی زیر مواجه است:

۱. کتمان برخی گزارش‌ها. از آن جا که نویسنده در صدد بیان تفصیلی نقش اصحاب در این جنگ بوده است،^۲ پای بندی به اصول تاریخ‌نگاری ایجاب می‌کرد که وی تمامی گزارش‌های مربوط به نقاط ضعف و قوت اصحاب را ذکر می‌کرد تا نقش واقعی هر یک از صحابه برای مخاطبان آشکار شود؛ اما وی بر خلاف ضوابط حاکم بر روش تاریخی کوشیده است رخداد احد را به گونه‌ای بیان کند که نقاط ضعف اصحاب چندان آشکار نباشد در حالی که گزارش‌های مکتوم، نشان از ضعف شدید اکثر اصحاب دارند. بر پایه منابع کهن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از شروع جنگ، نگران فرار و عدم پایداری برخی از اصحابش از صحنه نبرد بود و این نگرانی را به صراحت اظهار داشت و فرمود: «من از فرار شما بیمناکم».^۳ به همین دلیل خطبه‌ای ایراد فرمود و یارانش را به صبر و مقاومت برای دستیابی به وعده‌های الهی فراخواند و تأکید کرد که جنگ با دشمن، سخت و بسیار شدید است به گونه‌ای که تعداد اندکی تا پای جان خواهند ایستاد؛ آنان که خدای متعال عزم راسخ به ایشان عطا کرده است.^۴ حضرت در پایان خطبه‌اش، پایداری در جنگ را

۱. همان، ص ۳۴۱.

۲. رک: همان، ص ۳۱۵-۳۵۲.

۳. واقدی، پیشین، ص ۲۱۳.

۴. نک: همان، ص ۲۲۱-۲۲۲.

اطاعت از فرمان الهی و فرار از آن را اطاعت از شیطان خواند.^۱ با همه تأکیدات پیامبر ﷺ درباره صبر و پایداری، هنگامی که سواره نظام دشمن با شمشیرهای آخته از پشت حمله کردند و شرایط جنگ برای مسلمانان سخت شد، بیشتر صحابه پا به فرار نهادند و پیامبر ﷺ را در مقابل دشمن زخم خورده و خون آشام تنها گذاشتند^۲ تا جایی که یکی از اصحاب که شاهد آن صحنه بوده است می گوید: «رسول خدا ﷺ را دیدم که تنها مانده بود و جز تعدادی بسیار اندک، کسی کنارش نمانده بود».^۳ حتی برخی از فراریان، خودشان را به مدینه رسانده و مورد شماتت و عتاب اهالی مدینه قرار گرفته بودند.^۴ این در حالی بود که پیامبر ﷺ آنان را صدا می زد برگردید به سوی من، من رسول خدا هستم؛ اما کسی اعتنا نمی کرد.^۵ هنگامی که شایع شد پیامبر ﷺ به شهادت رسیده است، برخی از صحابه تا آن جا از خود ضعف نشان دادند که آرزو می کردند کاش عبدالله بن سلول می آمد و برای آنان از ابوسفیان امان می گرفت^۶ و حتی به فکر تسلیم شدن بودند^۷ و فریاد می زدند که ای قوم! محمد ﷺ کشته شده است، برگردید به خانه های خود پیش از آن که دشمن شما را بکشد.^۸ فرار صحابه از صحنه جنگ در حالی صورت می گرفت که قرآن کریم حکم فرار از جنگ را این گونه بیان کرده بود:

۱. رک: همان، ص ۲۲۲.

۲. نک: همان، ص ۲۳۷؛ ابن هشام، پیشین، ص ۸۷؛ یعقوبی، پیشین، ص ۴۸؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۵۱۵.

۳. واقدی، پیشین، ص ۲۳۸.

۴. همان، ص ۲۷۸؛ ابن هشام، پیشین؛ طبری، پیشین، ص ۵۲۲.

۵. واقدی، پیشین، ص ۲۳۷.

۶. نک: طبری، پیشین، ص ۵۲۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۵۶.

۷. رک: طبری، پیشین، ص ۵۱۷.

۸. همان، ص ۵۲۰.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه‌رو شوید به آنها پشت نکنید. و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر در صورتی که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) گرفتار غضب پروردگار خواهد شد و مأوای او جهنم و چه بد جایگاهی است.^۱

آن چه بیشتر جای تأمل دارد این است که مارتین لینگز با عبارت کوتاهی به موضوع فرار صحابه اشاره کرده^۲ اما از ذکر نام برخی افراد برجسته که در منابع به آنها تصریح شده،^۳ خودداری کرده است؛ در حالی که خود این افراد به فرارشان از جنگ اعتراف کرده‌اند. در میان معترفان به فرار، نام ابوبکر (۱۳ق)، عمر (مقتول ۲۳ق) و عثمان (مقتول ۳۵ق) نیز به چشم می‌خورد.^۴

۲. کوچک‌نمایی نقش علی علیه السلام. مهم‌ترین وظیفه اخلاقی تاریخ‌نگار، رعایت امانت در نقل گزارش‌های تاریخی است زیرا لازمه داوری بی‌طرفانه درباره رفتارها و نقش و جایگاه هر یک از صحابه است. اگر آگاهانه تصرفاتی در نقل گزارش‌ها صورت گیرد که نقش یک فرد در یک واقعه را کم‌رنگ و ناچیز جلوه دهد، بی‌گمان داوری در حق آن فرد، مصداق

۱. انفال/۱۵-۱۶.

۲. نک: مارتین لینگز، پیشین، ص ۳۳۳.

۳. نک: واقدی، پیشین، ص ۲۳۷-۲۹۵.

۴. نک: واقدی، پیشین، ص ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۵؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۱، ص ۲۲۲؛

ابوداود، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۸؛ بیهقی، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۳؛ ذهبی، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۱؛

ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۴، ص ۲۹.

ظلم و اجحاف تاریخی خواهد بود.^۱ مارتین لینگز گزارش‌های واقعه احد را به گونه‌ای چینش کرده است که نقش برخی اصحاب در این جنگ بیش از آن چه بوده و نقش علی علیه السلام کمتر از آن چه بوده، نمایان گردد تا نقش آن حضرت در این جنگ، تمایز آشکاری با دیگر اصحاب پیدا نکند؛ در حالی که گزارش‌های موجود در منابع، خلاف آن را نشان می‌دهند. طبق این گزارش‌ها در برهه خاصی از شدت جنگ، تعداد انگشت‌شماری از صحابه کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ماندند. یعقوبی (۲۸۴ یا ۲۹۲ق) تصریح می‌کند که فقط سه نفر یعنی علی علیه السلام، طلحه (مقتول ۳۶ق) و زبیر (مقتول ۳۶ق) کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانده بودند.^۲ ابن هشام (۲۱۳ یا ۲۱۸ق) از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن سه نفر، علی علیه السلام، ابودجانه (شهید ۱۲ق) و سهل بن حنیف (۳۸ق) بودند.^۳ طبری (۳۱۰ق) آن سه نفر را علی علیه السلام، حضرت حمزه و ابودجانه نام می‌برد.^۴ شیخ مفید گزارشی نقل می‌کند که یک بار عبدالله بن مسعود (۳۲ق) واقعه احد را به تفصیل برای مخاطبانش شرح داد. وقتی شرح واقعه به پایان رسید یکی از مستمعان از وی پرسید که آیا در جنگ احد تمامی اصحاب به جز علی علیه السلام، سهل بن حنیف و ابودجانه فرار کردند؟ ابن مسعود پاسخ می‌دهد که تمامی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز علی علیه السلام فرار کردند؛ اما سهل بن حنیف و ابودجانه و چند تن دیگر برگشتند و از آن حضرت دفاع کردند.^۵ آن چه مسلم است این است که علی علیه السلام تا آخرین ساعات جنگ در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی ماند و از وجود ایشان دفاع می‌کرد.

۱. نک: رحیمی، پیشین، فصل چهارم.

۲. یعقوبی، پیشین.

۳. نک: ابن هشام، پیشین، ص ۱۰۰.

۴. رک: طبری، پیشین، ص ۵۱۳.

۵. مفید، پیشین، ص ۸۳-۸۴.

علی علیه السلام در همان آغاز جنگ یکی از شجاعان قریش به نام طلحه بن ابی طلحه (مرگ ۳ق) را از پای درآورد. این مسأله چنان پیامبر صلی الله علیه و آله را خوشحال ساخت که فریاد تکبیرش بلند شد و مسلمانان نیز با صدای رسا تکبیر گفتند.^۱ با این جنگاوری و شجاعت علی علیه السلام روحیه مسلمانان تقویت شد به نحوی که بی‌درنگ به سوی دشمن حمله بردند و صفوف آنان را در هم شکستند.^۲

پس از آن که دشمن از پشت حمله کرد و بسیاری از صحابه به فکر نجات جان خود افتاده، راه فرار در پیش گرفتند، علی علیه السلام به همراه چند نفر دیگر با تمام توان از وجود پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کردند و علی علیه السلام خودش را سپر قرار داده بود و از هر سوی، هجوم دشمن را دفع می‌کرد.^۳ به نقل طبری، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی از دشمن را دید که به سویش هجوم آوردند، به علی علیه السلام فرمود: به آنان حمله کن! علی علیه السلام به آنان حمله کرد و آن‌ها را متفرق ساخت و یک تن از آنان را کشت. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله گروه دیگری را دید که به سویش هجوم آوردند، به علی علیه السلام فرمود: به آنان حمله کن! علی علیه السلام به آنان حمله کرد و با کشتن فرد دیگری، آن‌ها را متفرق ساخت.^۴ در برهه خاصی از شدت جنگ، لحظاتی پیامبر صلی الله علیه و آله از چشمان علی علیه السلام ناپدید شد به گونه‌ای که او را در میان کشتگان ندید و یقین داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز اهل فرار نیست. پس چنان پنداشت که خدای متعال آن حضرت را به سوی آسمان بالا برده است. در این حال غلاف شمشیرش را شکست و با خود عهد بست که چنان بجنگد تا کشته شود. ناگهان دید رسول خدا صلی الله علیه و آله بیهوش روی زمین افتاده است. بی‌درنگ بالای سرش رفت و از راست و چپ، دشمن را از

۱. واقدی، پیشین، ص ۲۲۶؛ ابن هشام، پیشین، ص ۷۳-۷۴.

۲. واقدی، پیشین.

۳. همان، ص ۲۵۶.

۴. طبری، پیشین، ص ۵۱۴.

پیامبر دور می‌کرد.^۱ منابع شیعه و اهل سنت اتفاق دارند که در همین حین، جبریل چنین بانگ برآورد: «لا سیف إلا ذو الفقار و لا فتی إلا علی».^۲

۳. **تقریر رخداد بر اساس پیش فرض‌ها.** داشتن پیش فرض برای پژوهشگر امری جدایی‌ناپذیر است و به خودی خود نکوهیده نیست اما سخن در این است که محقق تاریخ در روند پژوهش تاریخی، پیش فرض‌های خود را آگاهانه و متعصبانه بر تاریخ تحمیل نکند تا پژوهش وی از یک‌سونگری و داوری‌های یک‌جانبه درباره موضوعات و گزاره‌های تاریخی مصون بماند. پژوهشگری که آگاهانه، بررسی‌ها و تحلیل‌های تاریخی خود را بر پیش فرض‌ها و تعلقات ذهنی خود استوار نماید، افق نگاهش به وقایع تاریخی، بسیار تنگ و کوچک بوده، طبعاً از کشف بسیاری از حقایق و وقایع عاجز خواهد ماند که نه تنها خودش از آن حقایق دور خواهد افتاد بلکه مخاطبان ناآگاه را نیز به بیراهه خواهد برد.^۳

جنگ احد آزمون بزرگی برای اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می‌آید که میزان ایمان اصحاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آیین او محک زده شد و اسرار درونی افراد فاش گردید. چنان که گفته شد، گروهی اندک تا پای جان ایستادند و اکثر افراد برای نجات جانشان راه فرار در پیش گرفتند. مارتین لینگز تلاش کرده است رخداد احد را با استفاده ناقص از برخی منابع و نادیده‌انگاری منابع دیگر به گونه‌ای گزارش کند که با پیش فرض‌های او هم‌سان باشد و نقاط ضعف برخی از صحابه مورد علاقه او آشکار نگردد

۱. مفید، پیشین، ص ۸۶-۸۷.

۲. ابن هشام، پیشین، ص ۱۰۰؛ طبری، پیشین، ص ۵۱۴؛ ابن کثیر، پیشین، ج ۶، ص ۵؛ ابن اثیر،

پیشین، ص ۱۵۵؛ منقری، وقعة صفین، ص ۳۱۵؛ مفید، پیشین، ص ۸۷.

۳. رک: رحیمی، پیشین، ص ۱۲۸-۱۲۹.

زیرا پیش فرض او^۱ این است که از صحابه محبوب خود، چهره‌ای شاخص و سرآمد به مخاطبان القا کند.

۳-۳- جنگ احزاب

مارتین لینگز درباره نقش علی علیه السلام در جنگ احزاب می‌نویسد:

یکی از چهار تنی که این سو ماندند، به نام عمرو، دعوت به مبارزه تن به تن کرد. وقتی علی علیه السلام به درخواست او پاسخ داد او رد کرد: «از این که چون تویی را بکشم بیزارم. پدرت از دوستان خوب من بود. برگرد که تو جوانکی بیش نیستی». اما علی علیه السلام اصرار کرد؛ در نتیجه عمرو از اسب پیاده شد و هر دو جلو آمدند. چیزی نگذشت که ابری از غبار آن‌ها را از دیده‌ها پنهان کرد. سپس صدای علی علیه السلام را شنیدند که بلند تکبیر گفت و دانستند که عمرو مرده یا در حال مرگ است.^۲

نقد و بررسی

نویسنده کتاب نقش علی علیه السلام در جنگ احزاب را چنان که شایسته است تبیین نکرده است. اشکالات اساسی این بخش از گزارش مؤلف عبارتند از:

۱. عدم توجه به تمامی منابع، گزارش‌ها و شواهد. تقریر نویسنده از وضعیت جنگی و ماجرای کشته شدن قهرمان قریش به دست علی علیه السلام بسیار سطحی، گزینشی و بدون بررسی تمامی منابع و گزارش‌های مربوط به این رخداد است. نگرش همه جانبه به این مسأله و ارائه تصویر کامل و روشن از وضعیت آشفته و هراس‌انگیز مسلمانان از یک‌سو و

۱. سیر نگارش کتاب به خوبی آشکار می‌کند که نویسنده به دنبال ارائه چهره‌ای شاخص اما

غیرواقعی از برخی صحابه بوده است.

۲. مارتین لینگز، پیشین، ص ۴۰۲.

استحکام نیروهای دشمن و عربده‌کشی‌های آنان از سوی دیگر، نقش بی‌بدیل امیرمؤمنان علی علیه السلام در این جنگ را بیشتر آشکار می‌کند.

زمانی که دشمن در آن سوی خندق قرار گرفت، تعداد پُرشمار جنگاوران و تسلیحات پیشرفته و مرکب‌های چابک و امکانات جنگی آنان، وحشت و صف‌ناپذیری در دل برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد کرده بود که قرآن کریم، این چنین به آن اشاره می‌کند:

إِذْ جَاءُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ
الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا، هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا؛

به خاطر بیاورید زمانی را که آن‌ها از طرف بالا و پایین (شهر) شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده بود و جان‌ها به لب رسیده بود و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید! در آنجا مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.^۱

برخی اصحاب با دیدن هیمنه دشمن چنان خود را باختند که اعتقاد خود به وعده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را از دست دادند و با یک‌دیگر چنین می‌گفتند که پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما وعده گنج‌های کسری را داده بود در حالی که اکنون حتی قادر به انجام قضای حاجت خود نیستیم و چه وعده پوچی! این ترس زمانی مضاعف شد که تعدادی از قهرمانان دشمن از نقطه باریک خندق عبور کردند و فریاد «هل من مبارز؟» سر دادند. یکی از آنان، قهرمان نامی قریش به نام «عمرو بن عبدود (مرگ‌ق)» بود. او در جنگ بدر جراحی از مسلمانان برداشته بود و این بار با خود عهد بسته بود که انتقام سختی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. احزاب/۱۰-۱۱.

۲. واقدی، پیشین، ص ۴۶۰؛ ابن هشام، پیشین، ص ۲۲۲.

و یارانش بگیرد و تا رسیدن به این هدف، استفاده از عطریات را بر خود حرام کرده بود.^۱ این قهرمان نامی، غرق در سلاح و سوار بر اسب چابک در مقابل سپاه مسلمانان فریاد می‌زد و مبارز می‌طلبید اما هیچ کس جز یک نفر پاسخ مثبت نمی‌داد.^۲ آن چنان وحشت بر سر مسلمانان سایه افکنده بود که در سکوت سنگینی فرو رفته بودند^۳ و هیچ کس یارای عرض اندام در برابر او را نداشت.

۲. تبیین سطحی از نقش علی ع بر اساس گزینش برخی نقل‌ها. مؤلف محترم بدون آن که منطقی ارائه کند، با گزینش برخی گزارش‌ها، تبیینی بسیار سطحی از نقش علی ع در این جنگ ارائه کرده است در حالی که بررسی تمامی نقل‌های مربوط به رویارویی علی ع با قهرمان نامی عرب، نقش بی‌بدیلی از شجاعت، صلابت، قدرت، ایمان، اخلاص و ارزش‌های انسانی آن حضرت به تصویر می‌کشد به گونه‌ای که پیامبر اکرم ص ارزش آن را بالاتر از عبادت جن و انس قلمداد کرده است.^۴

طبق این نقل‌ها هر بار که عمرو بن عبدود فریاد می‌زد و مبارز می‌طلبید، پیامبر ص به یارانش خطاب می‌کرد که چه کسی جواب او را می‌دهد؟^۵ و علی ع از جا بلند می‌شد و عرضه می‌داشت: من، ای پیامبر خدا ص! پیامبر ص به علی ع می‌فرمود: بنشین! او

۱. نک: واقدی، پیشین، ص ۴۷۰؛ ابن هشام، پیشین، ص ۲۲۵.

۲. نک: واقدی، پیشین؛ بیهقی، پیشین، ج ۳، ص ۴۳۹؛ ابن کثیر، پیشین، ص ۱۰۷؛ ابن عساکر، تاریخ

مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۷۷؛ سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۱۵۶.

۳. واقدی، پیشین.

۴. نک: مفید، پیشین، ص ۱۰۲.

۵. ابن عساکر، پیشین؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۵۶.

۶. نک: واقدی، پیشین؛ ابن سعد، پیشین، ص ۵۲؛ ابن کثیر، پیشین، ص ۱۰۶؛ بیهقی، پیشین،

ص ۴۳۸؛ ابن عساکر، پیشین.

عمرو است. و حضرت جواب می‌داد: ولو عمرو باشد.^۱ عمرو هم‌چنان رجز می‌خواند که: «از بس فریاد کشیدم، صدایم گرفت»؛ و در نهایت چنین خطاب کرد: «شما معتقدید که اگر کشته شوید وارد بهشت می‌شوید؛ آیا کسی نیست که با من مبارزه کند؟»^۲ در نهایت علی علیه السلام عرضه داشت: «ای رسول خدا! اجازه دهید با او مبارزه کنم تا به یکی از دو حُسن دست یابم. اگر او را بکشم، وارد جهنم خواهد شد و اگر کشته شوم وارد بهشت خواهم شد».^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر و عمامه خود را به علی علیه السلام داد^۴ و برای او چنین دعا کرد: خدایا علی علیه السلام را بر دشمنش پیروز گردان!^۵ بر پایه برخی گزارش‌ها، پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه الهی چنین عرضه داشت: «پرودگارا! در جنگ بدر عبیده بن حارث و در جنگ احد حمزة بن عبدالمطلب را از من گرفتی! و اکنون علی علیه السلام در معرض کشته شدن قرار دارد. خدایا! مرا تنها مگذار!».^۶

امیرمؤمنان علی علیه السلام لباس رزم به تن کرد و با صلابت تمام در برابر عمرو قرار گرفت. منابع گزارش کرده‌اند که آن حضرت ابتدا خودش را معرفی کرد و به عمرو پیشنهاد داد که مسلمان شود.^۷ گویا در وجود علی علیه السلام این احساس موج می‌زد که تا حدّ ممکن، انسانی را از گمراهی نجات دهد و اجازه ندهد که طعمه آتش جهنم گردد؛ ولو سرسخت‌ترین دشمن

۱. نک: بیهقی، پیشین؛ ابن کثیر، پیشین؛ ابن عساکر، پیشین، ص ۷۹.

۲. بیهقی، پیشین؛ ابن کثیر، پیشین.

۳. ابن عساکر، پیشین، ص ۷۶؛ متقی هندی، پیشین.

۴. واقدی، پیشین، ص ۴۷۱؛ ابن سعد، پیشین، ص ۵۲.

۵. همان.

۶. ابن عقده، فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۷۹؛ متقی هندی، پیشین.

۷. نک: واقدی، پیشین، ص ۴۷۱؛ ابن هشام، پیشین، ص ۲۲۵؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۱۸۱؛ طبری،

پیشین، ص ۵۷۴؛ ابن عساکر، پیشین، ص ۷۷.

اسلام باشد. زمانی که عمرو پیشنهاد حضرت را نپذیرفت، علی علیه السلام با او وارد جنگ شد و با ضربه سختی وی را از پای درآورد.^۱ وقتی عمرو کشته شد، افرادی که با او از خندق عبور کرده بودند فرار کردند.^۲ این مبارزه بی‌بدیل به همان اندازه که روح و نفس تازه در کالبد پژمرده مسلمانان دمید، به تضعیف روحیه دشمن منجر شد به گونه‌ای که دیگر جرأت مبارزه‌طلبی از آنان سلب شد و به فکر مقدمات فرار افتادند و این جا بود که پیامبر اکرم فرمود: «ضربة علی فی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین؛ یک ضربه علی علیه السلام در روز خندق از عبادت جن و انس بالاتر است».^۳

۳-۴- جنگ خیبر

نویسنده کتاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر پایه کهن‌ترین منابع، نقش علی علیه السلام در جنگ خیبر را چنین بیان می‌کند:

نخستین مقاومت جدی‌ای که مسلمانان با آن مواجه شدند از جانب قلعه‌ای به نام ناعم بود. اعضای این پادگان بسیار نیرومند ظاهر شدند و آن روز مدافعانی که بیرون آمده بودند هر حمله مسلمانان را دفع کردند. پیامبر گفت: «فردا پرچم نبرد را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش به او عشق می‌ورزند. خداوند به دست او پیروزی‌امان خواهد بخشید؛ او کسی نیست که پشت کند و بگریزد»... اکنون پیامبر این رایت را که عقاب می‌نامیدندش به دست علی علیه السلام سپرد و دعا کرد که خداوند علی علیه السلام و دیگر اصحاب را پیروزی بخشد. پس از یک روز دیگر جنگ شدید، که در آن زبیر و ابودجانه ... نقش

۱. نک: همان.

۲. نک: همان؛ ابن هشام، پیشین؛ ابن سعد، پیشین؛ یعقوبی، پیشین، ص ۴۹؛ طبری، پیشین، ص ۵۷۴.

۳. مفید، پیشین، ص ۱۰۲.

برجسته ایفا کردند، علی علیه السلام پیشاپیش افرادش در حمله نهایی چنان بر دشمن یورش برد که آنها را وادار ساخت به اعماق پناهگاهشان عقب‌نشینی کنند و اختیار دروازه‌ها به دست مسلمانان افتاد. قلعه تسلیم شد، اما پیش از آن تعداد زیادی از افراد از دلان پشت آن قلعه به قلعه‌های دیگر گریختند.^۱

نقد و بررسی

مارتین لینگز نقش علی علیه السلام در جنگ خیبر را نسبتاً خوب بیان کرده اما گزارش‌ها را کامل نقل نکرده و از بررسی منابع به طور جامع صرف نظر کرده است. نکات و زوایای ناگفته بسیاری در این واقعه وجود دارد که وی از بیان آن‌ها چشم پوشیده و بسیار هنرمندانه تلاش کرده نقش یکی از صحابه را در ایجاد مقدمات پیروزی در جنگ، بزرگ‌نمایی کند و نقاط ضعف و فرار او و برخی دیگر از صحابه مشهور از صحنه جنگ را کتمان نماید.^۲ در این مجال به مهم‌ترین این نکات و زوایا اشاره می‌کنیم:

۱. خیبر از قلعه‌ها و حصارهای متعدد و نفوذناپذیری تشکیل شده بود که جنگجویان بسیاری در آن‌ها قرار داشتند. زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه یارانش به این منطقه یهودی‌نشین حمله کردند با حصارهایی مواجه شدند که گشودن آن‌ها بسیار دشوار به نظر می‌رسید. از این رو بارها حمله‌های گروهی مسلمانان با شکست مواجه شد. علی علیه السلام در این جنگ به شدت به چشم درد مبتلا بود^۳ و به همین دلیل مبارزه آن حضرت با خیبریان چند روزی به تأخیر افتاد و تا زمانی که ایشان دست به کار نشد مسلمانان چیزی جز

۱. مارتین لینگز، پیشین، ص ۴۷۲-۴۷۳.

۲. نک: همان، ص ۴۷۲.

۳. نک: واقدی، پیشین، ص ۶۵۴؛ ابن هشام، پیشین، ص ۳۳۴؛ ابن سعد، پیشین، ج ۲، ص ۸۵؛

طبری، پیشین، ج ۳، ص ۱۲.

شکست و فرار و ناامیدی و متهم کردن یکدیگر به عدم پایداری نصیبشان نشد.^۱ ابتدا پیامبر صلی الله علیه و آله ابوبکر را با گروهی از مسلمانان فرستاد اما آنان با کمترین مقاومتی از صحنه نبرد برگشتند.^۲ پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به دست عمر داد و او را با گروهی از یارانش به میدان فرستاد اما او نیز کاری از پیش نبرد و با افرادش از صحنه کارزار گریختند.^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله از فرار آنان بسیار ناراحت شد^۴ و شب را با غم و اندوه به پایان برد.^۵

۲. پس از این ناکامی‌ها، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمله تاریخی خود را درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام بیان فرمود:

لأدفعن الراية غدا إن شاء الله إلی رجل کرار غیر فرار یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله، لا ینصرف حتی یفتح الله علی یده؛
فردا ان شاء الله پرچم را به دست مردی می‌سپارم که حمله می‌کند و هرگز فرار نمی‌کند. خدا و رسولش او را دوست دارند و او خدا و رسولش را دوست دارد. او کسی است که از صحنه مبارزه بر نمی‌گردد تا این که خداوند با دست او گشایشی نصیب مسلمانان کند.^۶

۱. نک: همان.

۲. رک: ابن ابی شیبہ، الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۶، ص ۳۶۷؛ بیهقی، پیشین، ج ۴، ص ۲۱۳؛ ذهبی، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۲؛ ابن عساکر، پیشین، ص ۹۷.

۳. رک: همان؛ طبری، پیشین.

۴. نک: واقدی، پیشین؛ ابن ابی شیبہ، پیشین، ج ۷، ص ۳۹۶.

۵. نک: واقدی، پیشین.

۶. یعقوبی، پیشین، ص ۵۶؛ واقدی، پیشین؛ ابن سعد، پیشین، ص ۸۵؛ ابن هشام، پیشین، ص ۳۳۴؛ طبری، پیشین؛ ابن کثیر، پیشین، ص ۱۸۵؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۲۱۹؛ ابن عساکر، پیشین، ص ۸۱.

ابوبکر و عمر و برخی دیگر از اصحاب بسیار آرزو داشتند که شخص مورد نظر پیامبر ﷺ باشند^۱ اما پیامبر ﷺ هنگام صبح به دنبال علی ﷺ فرستاد، در حالی که ایشان چشم درد شدیدی داشت. پیامبر ﷺ آب دهانش را به چشم حضرت مالید و بلافاصله عافیت یافت به گونه‌ای که پس از آن، هرگز به درد چشم مبتلا نشد.^۲ پس از آن، پیامبر ﷺ پرچم را به دست علی ﷺ داد و برای ایشان و همراهانش دعا کرد.^۳ علی ﷺ پرچم را برداشت و با گروهی در مصاف دشمن رفت. اولین کسی که از حصار بیرون آمد جنگجوی نامداری به نام «حارث (مرگ ۷ق)» بود که با گروهی از سپاهیان در مصاف علی ﷺ و یارانش قرار گرفتند. یاران علی ﷺ با دیدن حارث و از ترس دلاوری او پا به فرار گذاشتند اما علی ﷺ به تنهایی و محکم در برابر دشمن ایستاد و با وارد کردن چند ضربه، حارث را از پای درآورد.^۴ همراهان حارث با دیدن این صحنه به درون حصار فرار کردند و درب قلعه را بستند. وقتی حارث کشته شد، یاران علی ﷺ دوباره به جای خود بازگشتند.^۵ پس از کشته شدن حارث، برادرش «مرحب (مرگ ۷ق)» که نامدارترین قهرمان خیبر به شمار می‌آمد از قلعه خارج شد و در مصاف علی ﷺ قرار گرفت. او با آوازه و شهرتی که داشت مانند گاو مست رجز می‌خواند.^۶ علی ﷺ بی‌درنگ به او حمله کرد و او را به درب قلعه کوبید^۷ و چنان ضربه بر فرق سرش فرود آورد که آن

۱. رک: طبری، پیشین؛ ابن اثیر، پیشین.

۲. واقدی، پیشین، ص ۶۵۴.

۳. همان.

۴. نک: واقدی، پیشین.

۵. همان.

۶. واقدی، پیشین، ص ۶۵۵؛ ابن سعد، پیشین؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۲۱۸؛ طبری، پیشین، ص ۱۲.

۷. واقدی، پیشین، ص ۶۵۵.

را تا دندان هایش شکافت^۱ و او نیز از پای درآمد. ابورافع (پس از ۴۰ق) یکی از همراهان علی علیه السلام در نبرد خیبر چنین می گوید:

علی علیه السلام [هنگام پیکار] ضربه بر سپرش اصابت کرد و از دستش افتاد. حضرت، دربی را که جلوی حصار قرار داشت از زمین برداشت و سپر خود قرار داد و پیوسته با این حالت می جنگید تا این که خداوند، قلعه را به دست او گشود. پس از پایان یافتن جنگ، درب را به سوی انداخت. من و هفت نفر دیگر هر چه تلاش کردیم نتوانستیم آن را جابه جا کنیم.^۲

علی علیه السلام پس از کشتن حارث و مرحب، باب قلعه را گشود و حصار را فتح کرد. وقتی این خبر به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: «ای مسلمانان! مژده باد بر شما! هم اینک خیبر برای شما شادباش و خوش آمد می گوید و مشکل آن، آسان گردید».^۳ فتح این حصار که نامش «ناعیم» بود و مبارزان نامی خیبر در آن قرار داشتند، ضربه مهلکی بر پیکر نیمه جان اهالی خیبر وارد کرد و پس از آن راه برای فتح حصارهای دیگر بر روی مسلمانان باز شد.

۴- نتیجه

کتاب محمد صلی الله علیه و آله بر پایه کهن ترین منابع از نقاط قوت و مثبت بسیاری برخوردار است و با ادبیات جذاب و اثرگذار، مخاطبان قابل توجهی را به خود جذب کرده است اما کاستی ها و خلأهای بسیاری نیز در آن به چشم می آید. در این مقاله دیدگاه مارتین لینگز درباره «نقش علی علیه السلام در مهم ترین جنگ های عصر نبوی صلی الله علیه و آله» بر اساس معیارهای روش

۱. طبری، پیشین، ص ۱۲.

۲. ابن هشام، پیشین، ص ۳۳۵؛ طبری، پیشین، ص ۱۳؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۲۲۰.

۳. واقدی، پیشین، ص ۶۵۷.

تاریخی بررسی شد. نتیجه ارزیابی به روشنی گویای آن است که مؤلف محترم از معیارهای روش تاریخی فاصله گرفته است؛ زیرا از یک سو در برخی موارد، بدون ارائه منطق و دلیل علمی، بعضی از گزارش‌ها را گزینش کرده و در موارد دیگری بدون بررسی تمامی گزاره‌ها و شواهد، اظهار نظر کرده است. از سوی دیگر، منابع محدودی را اساس گزارش خود قرار داده است و بسیاری از منابع معتبری که اطلاعات بسیار مفید و تکمیل‌کننده درباره این رخدادها دارند نادیده گرفته شده است که حاصل آن یک گزارش ناقص و یک‌سویه رقم خورده است. مهم‌تر از همه این که نویسنده بر اساس تعصبات مذهبی، پیش‌فرض‌های خود را بر تاریخ تحمیل کرده است. این مسأله موجب شده است که از یک سو نقش علی علیه السلام در این جنگ‌ها کم‌رنگ جلوه کند و ویژگی‌های منحصر به فرد و نقش بی‌نظیر آن حضرت مکتوم بماند و از سوی دیگر، نقاط ضعف، کوتاهی‌ها و عدم پایداری برخی صحابه آشکار نگردد تا جایگاه آنان در نظر مخاطب، به عنوان بهترین و نزدیک‌ترین صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله محفوظ بماند.

منابع

* قرآن کریم.

١. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (٢٣٥ق)، *الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار*، تحقيق كمال يوسف الحوت، اول، الرياض: مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
٢. ابن اثير، علي بن ابى الكرم (٦٣٠ق)، *الكامل في التاريخ*، بيروت: دار صادر - دار بيروت، ١٣٨٥ق.
٣. ابن سعد (٢٣٠ق)، *الطبقات الكبرى*، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
٤. ابن عساکر (٥٧١ق)، *تاريخ مدينة دمشق*، اول، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ق.
٥. ابن عقده (٣٣٢ق)، *فضائل أمير المؤمنين*، اول، قم: دليل ما، ١٤٢٤ق.
٦. ابن كثير (٧٧٤ق)، *البدایة والنہایة*، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ق.
٧. ابن هشام (٢١٣ یا ٢١٨ق)، *السيرة النبوية*، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبياري و عبدالحفيظ شلبي، بيروت: دار المعرفة، بی تا.
٨. ابوداود، سليمان بن اشعث سجستاني (٢٧٦ق)، *سنن أبي داود*، تحقيق شعيب الأرنؤوط و محمّد كامل قره بللي، اول، دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠ق.
٩. احمد بن حنبل (٢٤١ق)، *فضائل الصحابة*، تحقيق د. وصی الله محمد عباس، اول، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ق.
١٠. بيهقي، أبي بكر أحمد بن الحسين (٤٥٨ق)، *دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة*، تحقيق عبدالمعطي قلجی، اول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
١١. داگلاس مارتین (٢٠٠٥)، نیویورک تایمز: <https://www.nytimes.com/2005/05/29/obituaries/martin-lings-a-sufi-writer-on-islamic-ideas-dies-at-96.html>
١٢. ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد (٧٤٨ق)، *تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام*، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، دوم، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤١٣ق.

۱۳. رحیمی، اسدالله، بررسی و تقد علم غیب امامان: در کتاب مکتب در فرایند تکامل (مبانی، روش و محتوا)، راهنما: حسین عبدالمحمدی، دوره دکتری، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، وابسته به جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۹.

۱۴. سبط بن جوزی (۵۸۲ق)، تذکرة الخواص، اول، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.

۱۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۳۱۰ق)، تاریخ الأمم والملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.

۱۶. عبدالمحمدی، حسین، «بررسی انتقادی روش تاریخ‌نگاری مقاله «محمد؛ پیامبر اسلام» در ویرایش دوم دایره المعارف اسلام»، تاریخ اسلام، پاییز ۱۳۹۰، سال دوازدهم، شماره سوم.

۱۷. گای ایتون (۲۰۰۵م)، روزنامه گاردین:

<https://www.theguardian.com/news/2005/may/27/guardianobituarie.obituarie>

۱۸. مارتین لینگز (۲۰۰۵م)، محمد ۹ بر پایه کهن‌ترین منابع، ترجمه سعید تهرانی‌نسب، هفتم، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۶.

۱۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۹۷۵ یا ۹۷۷ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، پنجم، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.

۲۰. مسلم بن حجاج نیشابوری (۲۶۱ق)، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.

۲۱. مفید، محمد بن نعمان (۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۲۲. منقری، نصر بن مزاحم (۲۱۲ق)، وقعة صفین، دوم، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۳ق.

۲۳. واقدی، محمد بن عمر (۲۰۷ یا ۲۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ق.

۲۴. ویکیپدیا: https://en.wikipedia.org/wiki/Martin_Lings#cite_note-0-2

۲۵. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن واضح (۲۸۴ یا ۲۹۲ق)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی تا.

